



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

## الدرس الثالث برگرد

## ﴿اللَّهُ الَّذِي يُزِيلُ الزِّيَاحَ فَيُبْسِطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ الروم: ۲۸

خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد و [بادها] ابری را برمی انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می گستراند.

الدرس الثالث (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آیا باورمی کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان پی در پی می‌افتند؟!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ مسلماً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمَنْ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فَلَماً خَيَالِيًّا؟!

ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟! آیا گمان می‌کنی که آن باران حقیقت باشد (است) و فیلمی خیالی نیست؟!

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. بسیارخوب؛ پس به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ • سَقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تَمُطِرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ»

به دقت نگاه کن؛ افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؛ گویی آسمان ماهی‌ها می‌باراند. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می‌نامند. • تَنْظُرُ = تُشَاهِدُ = تَرَى (می‌بینی)

حَبَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوَسْطَى.

این پدیده مردم را سال‌های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته‌اند. باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی رخ می‌دهد.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلْحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.

این پدیده احياناً (گاهی) دوبار در سال رخ می‌دهد. مردم تکه ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبِخِهَا وَتَنَاوُلُهَا. • أَخَذَ: برداشت، برد، گرفت  
سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردنش می‌برند. (برمی‌دارند)



حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛  
دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا قَرِيبًا لِرِيزَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعَرَّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،  
و گروهی را فرستادند برای دیدن مکان و شناختن (آگاهی یافتن از) ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند.

فَوَجَدُوا أَنَّ أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمَجَاوِرَةِ

و آنها دریافتند که بیشتر ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک گونه هستند ولی شگفتی کار در این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند.

بَلْ مِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ .

بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که به فاصله ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی‌ها دور هستند.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ دلیل تشکیل این پدیده چیست؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقَدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و وقتی سرعتش را از دست می‌دهد [ماهی‌ها] بر زمین می‌افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يَسْمُونَهُ «مَهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».  
مردم در هندوراس هر سال این روز را جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره ی باران ماهی» می‌نامند.

### ☆ المَعَجَم ☆ برگرد

<p>حَتَّى تَصَدَّقَ: تا باور کنی</p> <p>ظَاهِرَةً: پدیده «جمع: ظواهر»</p> <p>فَلِمَ: فیلم «جمع: أفلام»</p> <p>لَا حَظَّ: ملاحظه کرد</p> <p>الْمَحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس</p> <p>مَفْرُوشٌ: پوشیده، فرش شده</p> <p>مِهْرَجَانٌ: جشنواره</p> <p>نُزُولٌ: پایین آمدن، بارش</p>	<p>تَسَاقَطٌ: پی در پی افتاد</p> <p>التَّعَرَّفُ عَلَيَّ: شناختن</p> <p>تَّلْجٌ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»</p> <p>حَسَنًا: بسیار خوب</p> <p>حَيْرٌ: حیران کرد</p> <p>سَحَبٌ: کشید</p> <p>سَمَى: نامید</p> <p>سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنث أسود)</p> <p>سَنَوِيٌّ: سالانه</p> <p>صَدَّقَ: باور کرد</p>	<p>أَثَارٌ: برانگیخت</p> <p>احتفلَ: جشن گرفت</p> <p>أَصْبَحَ: شد</p> <p>إِعْصَارٌ: گردباد</p> <p>أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی</p> <p>أَمَطَرٌ: باران بارید</p> <p>بَسَطَ: گستراند</p> <p>بَعْدَ: دور شد</p> <p>تَرَى: می بینی، بینی</p>
--	--	---

### 📖 حَوْلَ النَّصِّ برگرد

👉 عَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و غلط را طبق متن درس مشخص کن. ☑ ☒

۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيَسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ». ✗  
مردم هندوراس این روز را ماهانه جشن می‌گیرند و آن را جشنواره دریا می‌نامند.

۲- عِنْدَمَا يَفْقَدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ. ✓  
وقتی گردباد سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها پی در پی روی زمین می‌افتند.

۳- يَتَسَيَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. ✗  
دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب نا امید شدند.

۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. ✓  
بارش باران و برف از آسمان، یک امر طبیعی است.

۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. ✗  
این پدیده ده بار در سال اتفاق می‌افتد.

## ه اِعْمُوا ه برگرد

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَ الْمَزِيدُ (۱)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

**گروه اول:** ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این گونه بودند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «اسْتِفْعَالُ، اِفْتِعَالُ، اِنْفِعَالُ، تَفَعُّلُ» آمده است.

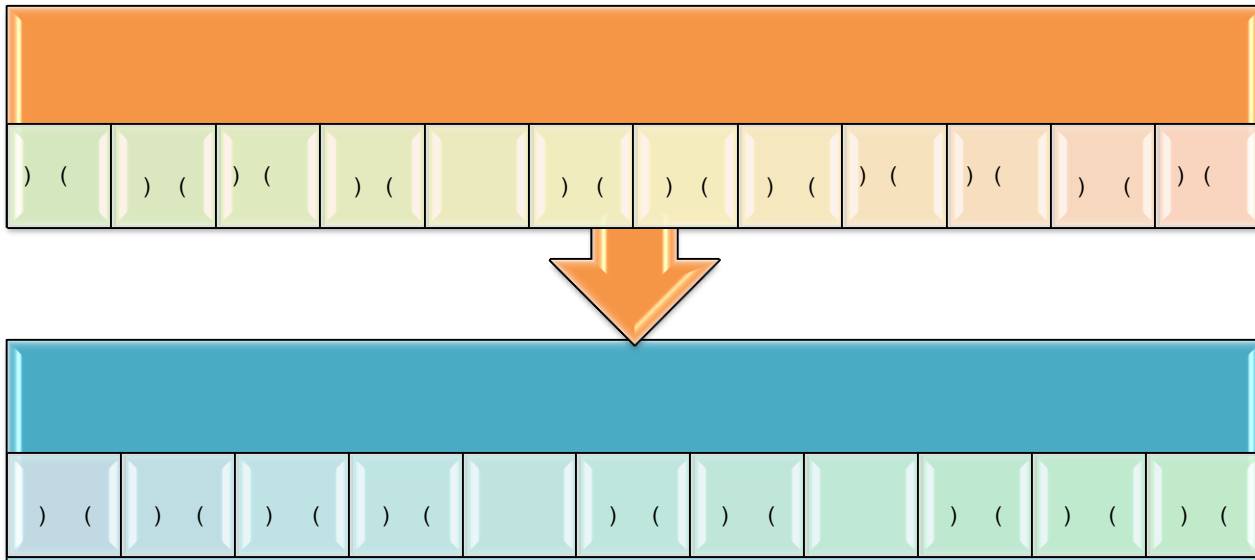
باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
۱	اسْتَجَرَجَ: پس گرفت	يَسْتَجِرِعُ: پس می‌گیرد	اسْتَجِرِعْ: پس بگیر	اسْتِرْجَاعُ: پس گرفتن
استفعل	اسْتَفْعَلُ	يَسْتَفْعَلُ	اسْتَفْعَلْ	اسْتِفْعَالُ
۲	اشْتَعَلَ: کار کرد	يَشْتَعِلُ: کار می‌کند	اشْتَعِلْ: کار کن	اشتغال: کار کردن
افتعال	اِفْتَعَلْ	يِفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالُ
۳	انْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	انْفَتِحْ: باز شو	انفتاح: باز شدن
انفعال	اِنْفَعَلْ	يِنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَالُ
۴	تَخَرَجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تخرج: دانش آموخته شدن
تفعّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلُ

شما با حفظ این جدول راحت‌تر می‌توانید به سوالات اینچنینی پاسخ دهید.

مصدر اسْتَخْرَجَ:	اخراج	استخراج ✓	خروج
ماضی انْقَطَعَ:	انْقَطَعَ ✓	قَطَعَ	تَقَطَعَ
امر تَسْمَعُ:	تَسْمَعُ	اسْمَعُ	اسْتَمِعُ ✓

باب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
استفعل	اسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعَلُ	اسْتَفْعَلْ	اسْتِفْعَالُ
افتعال	اِفْتَعَلْ	يِفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالُ
انفعال	اِنْفَعَلْ	يِنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَالُ
تفعّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلُ

◆ دسته بندی فعل‌های متن درس سوم :



**که اختیر نفسک (۱):** تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	مضارع يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	ماضی اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
استفعال	مصدر اسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	امر اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه
باب	مضارع يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	ماضی اعْتَذَرَ: پوزش خواست
افتعال	مصدر اعْتِذَارُ: پوزش خواستن	امر اعْتَذِرْ: پوزش بخواه
باب	مضارع يَنْقَطِعُ: بریده می‌شود	ماضی انْقَطَعَ: بریده شد
انفعال	مصدر انْقِطَاعُ: بُریده شدن	امر انْقَطِعْ: بریده شو
باب	مضارع يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	ماضی تَكَلَّمَ: سخن گفت
تفعل	مصدر تَكَلُّمُ: سخن گفتن	امر تَكَلَّمْ: سخن بگو

### الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.  
**فعل**، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.  
**فاعل**، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.  
**مفعول**، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، **فعل لازم** نام دارد.  
 مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت.  
 تَجَلَسُ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.  
 به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، **فعل متعدی** گفته می‌شود.  
 مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.  
 يَقْطَعُ النُّجَارُ الخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

### که اِخْتَبَرَ نَفْسَكَ (۲): تَرَجِمَ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيَّنَ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- ﴿ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ... ﴾ یوسف: 4  
 ترجمه: من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [ آنها ] برای من سجده می‌کنند. (ترجمه فولادوند)  
 فعل متعدی: رَأَيْتُ

**سجده کردن ستارگان بر یوسف (علیه السلام)**

اگر کلمه «رایت» را تکرار کرده برای این است که میان «رایت» و «لی ساجدین» فاصله زیاد شده، لذا بار دیگر فرموده: «رایتهم». فایده دیگری که این تکرار دارد افاده این جهت است که: من در خواب دیدم که آنها بطور دسته جمعی برای من سجده کردند، نه تک تک.  
**موضوع اصلی:** داستان حضرت یوسف (علیه السلام) **گوینده:** علامه طباطبایی، **قالب:** تفسیری، **منبع:** ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص: ۱۰۴

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِّيَّاتِ.

ترجمه: یک دانش‌آموز برای خاموش کردن کولر رفت.  
 فعل متعدی: ندارد و ذَهَبَتْ: فعل لازم است.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِالنُّجُومِ كَالدَّرَرِ.

ترجمه: خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مروارید آراست.  
 فعل متعدی: زَانَ

۴- تَنَمُّو الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

ترجمه: درخت از دانه‌ای کوچک رشد می‌کند.  
 فعل متعدی: ندارد و تَنَمُّو: فعل لازم است.

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ.

ترجمه: پدر حامد رایانه‌ای برایش خرید.  
 فعل متعدی: اشْتَرَى

□ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جواز برگرد

في قسم الجوازات<sup>۱</sup>  
در بخش گذرنامه‌ها

◆ شُرطِيّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ (پلیس اداره گذرنامه)	◆ الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيّ (مسافر ایرانی)
◆ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ خوش آمدید . شما از کدام کشور هستید؟	◆ نَحْنُ مِنْ أِيرَانَ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابِلِ . ما از ایران و از شهر زابل هستیم.
◆ مَرَحِبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُونَا . <sup>۲</sup> خوش آمدید . مشرف فرمودید (به ما افتخار دادید)	◆ أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي . متشکرم آقا
◆ مَا شَاءَ اللَّهُ ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا ! ماشالله ! عربی خوب صحبت می‌کنی!	◆ أَحِبُّ هَذِهِ اللَّغَةَ . الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ . این زبان را دوست دارم . عربی زیباست.
◆ كَمْ عَدَدَ الْمُرَافِقِينَ؟ تعداد همراهان چند نفرند؟	◆ سَتَّةُ : وَالِدَايَ وَأُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ . شش نفر : پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم.
◆ أَهْلًا بِالضُّيُوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟ مهمانان خوش آمدید ( آمدند) . آیا بلیت‌های ورود دارید؟ (همراهتان هست)	◆ نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بَطَاقَتُهُ بِيَدِهِ . بله ؛ هریک از ما بلیت‌ش در دستش است.
◆ الرَّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِتَفْتِيْشِ . <sup>۷</sup> مردان در سمت راست و زنان در سمت چپ برای بازرسی .	◆ عَلَيَّ عَيْنِي . به روی چشم
◆ رَجَاءُ؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ . لطفاً، گذرنامه هایتان را در دستانتان قرار دهید. (دستتان بگیرید)	◆ نَحْنُ جَاهِزُونَ . <sup>۸</sup> ما آماده‌ایم .



۱- جواز: گذرنامه      ۲- مَرَحِبًا بِكُمْ      ۳- شَرَفْتُمْ: مشرف فرمودید      ۴- مُرَافِقٍ: همراه      ۵- وَالِدَايَ (والدان+ی): پدر و مادرم، أُخْتَايَ (اُخْتَانِ+ی): دو خواهرم، أَحْوَايَ (أُخْوَانِ+ی): دو برادرم      ۶- بَطَاقَةُ: بلیت      ۷- تَفْتِيْشِ: بازرسی      ۸- جَاهِزٌ: آماده



### کتاب التمارین برگرد

● التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ x

- ۱- الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ مِّنَاسِبَةٌ جَمِيلَةٌ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ. جشنواره، جشنی به مناسبتی زیباست، مثل جشنواره گلها و جشنواره فیلمها (✓)
- ۲- اَلتَّلْجُ نَوْعٌ مِّنْ أَنْوَاعِ نُّزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ. برف، يك نوع از انواع بارش آب از آسمان است که فقط روی کوهها پایین می‌آید. (x)
- ۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِّنَ الْأَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ. ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال شمسی را جشن می‌گیرند. (✓)
- ۴- ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ماهی‌ها در رودخانه و دریا زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند. (✓)
- ۵- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. گردباد بادشدیدی است که از جایی به جایی دیگر منتقل نمی‌شود. (x)

● التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

- ۱- مَكَيْفُ الْهَوَاءِ ⑤ يَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ.
- ۲- الْمَشْمِشُ ③ مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.
- ۳- الْمَغْلُوقُ ① جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
- ۴- الْخَضِرَةُ ② فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ.
- ۵- الْأَصْفُ

- ۱- مَكَيْفُ الْهَوَاءِ: جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ. کولر: دستگاهی برای رهایی از گرمای تابستان است.
- ۲- الْمَشْمِشُ: فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ. زردآلو: میوه ای است که مردم آن را به صورت خشک شده و خشک نشده می‌خورند.
- ۳- الْمَغْلُوقُ: مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا. بسته: آنچه که باز نیست بلکه مسدود (بسته) است.
- ۴- الْخَضِرَةُ: كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ x سرسبز: کلمه اضافه است.
- ۵- الْأَصْفُ: يَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ. کلاس: دانش آموزان در آن درس می‌خوانند.

● التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيْنُ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمُتَضَادَّةِ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حَجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / عُرْفَةَ

أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ (پایین آورد ≠ بالا برد) / أَصْبَحَ = صَارَ (شد) / حَفَلَةَ = مِهْرَجَانَ (جشن)  
صُعُودَ ≠ نُزُولَ (بالا رفتن ≠ پایین آمدن) / حَجْرَةَ = عُرْفَةَ (اتاق)

● التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَ عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُتَعَدِّي.

۱- أَلْنَأَسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَا تَوَّأ أَنْتَبَهُوْا. ٢ رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ  
ترجمه: مردم در خوابند (خفتگانند)؛ پس هرگاه بیدار شوند. (هرگاه مردند، بیدار شدند)  
فعل متعدي: ندارد

۲- شَاهَدَ النَّاسُ سَقُوْطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.  
ترجمه: مردم افتادن ماهی‌ها را از آسمان دیدند.  
فعل متعدي: شاهد

۳- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدُوَانَ فَيَحْصِدُ الْخُسْرَانَ.  
ترجمه: انسان نادان دشمنی می‌کارد و زیان درو می‌کند.  
فعل متعدي: يَزْرَعُ، يَحْصِدُ

۴- دَهَبَتْ سَمِيَّةٌ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.  
ترجمه: سمیه نزد مدیر مدرسه رفت.  
فعل متعدي: ندارد

۵- يَرْجِعُ الطَّلَابُ مِنَ السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ.  
ترجمه: دانش‌آموزان از گردش علمی باز می‌گردند.  
فعل متعدي: ندارد



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی  
آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

۱- نیام: خفتگان ۲- انتبهوا: بیدار شدند (بیدار شوند)

## ● التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

- ﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾ : نزد آنان بازگشتند.  
 ﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾ : آنها را می‌شناسند.  
 ﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ کسانی که ستم کردند، خواهند دانست.  
 ﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ : می‌دانم آنچه را که نمی‌دانید.  
 ﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾ : نا امید نشوید.  
 ﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾ : می‌گویند شنیدیم.  
 ﴿أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ : بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند.  
 ﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾ : آن را بیرون آورد.  
 ﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ﴾ : نزد پروردگارت بازگرد.  
 ﴿ظَلَمْتَ نَفْسِي﴾ : به خودم ظلم کردم.  
 ﴿نَجْعَلُهُمْ أُمَّةً﴾ : آنها را پیشوا قرار دادیم.  
 ﴿لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ﴾ : قادر بر چیزی نیست.  
 ﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾ : وارد بهشت شوید.  
 ﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾ : چهره‌هایتان را بشویید.  
 ﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ : ما را ببامرز و به ما رحم کن.  
 ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا﴾ : گفت پس از آن خارج شو.  
 ﴿وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ﴾ : دریا را رها کن.  
 ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾ : در زمین می‌گردد.

## ﴿الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ﴾ برگرد

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرْجِمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِي-فَارِسِي.

